



جَهلی

مهدی فتوحی

..



fold-era.com

جهی

مهدی فتوحی

درباره‌ی این که جهی چیست یا کیست در ادب مزدیسنان، عبارات و تعبیرات گوناگونی نوشته و روایت شده که ما در این نوشته قصد داریم به برخی از آنها اشاره کنیم.

جهی - (در پهلوی جه به معنی زن فرومایه و بدکار و روسپی) نام دختر اهریمن است که اهریمن را به تاختن بر جهان اهورایی برمی‌انگیزد و یاری می‌رساند. فریبنده و اغواگر مردان است و در اساطیر زرتشتی زنان از او پدید آمده‌اند.

دکتر مهرداد بهار در یادداشت‌های بخش پنجم کتاب ارزشمند پژوهشی در اساطیر ایران آورده‌اند: جهی، در پهلوی jeh، در اوستا jahi، به معنای روسپی، نام دختر اهریمن است. زن روسپی که تجسمی از ماده‌دیوی به همین نام است.

زنده‌یاد پوردادود این واژه را «جنی» نقل کرده که علاوه بر وندیداد در یسنه (هات ۱۰، بندهای ۱۵ و ۱۷) به معنی «زن» (زن به طور اعم، نه زن بدکردار و هرزه به تنهایی) آمده است. (ابراهیم پوردادود، یادداشت‌های گاتها، جلد دوم، مجموعه گاتها، ص ۲۸۹) (نکته‌ی قابل توجه شباهت این واژه است با واژه‌های جنی، یا زن در زبان‌های محلی ایرانی، همچون زبان سمنانی).

اما تفاوت جهی با جینی یا جنی چیست؟

مرحوم پوردادود در یادداشت‌هایش چنین نوشته: جینی (جنی) نام موجودی است که گند بیماری‌های گوناگون برآمده از دخمه‌های آلوده و بویناک را در اندام‌های مردان به اندازه یک سوم نیرومندتر می‌کند (ص ۹۶۹). این گونه به نظر می‌رسد جینی همان جهی آورنده بیماری باشد. زنده‌یاد وندیداد هم جینی‌ها را همان جهی می‌داند و این واژه را جنی نقل کرده که علاوه بر وندیداد - چنانک پیشتر گفته شد - در یسنه، هات ۱۰، بندهای ۱۵ و ۱۷ به معنی زن (زن به طور اعم نه زن بدکردار و هرزه به تنهایی) آمده است. باری از این سخنان می‌توان چنین نتیجه گرفت که جینی یا جنی در کاربردهای یادشده در وندیداد به معنی کلی «زن». البته با اشاره به مفهوم‌های دوگانه جهی (زن بدکاره و روسپی) و جهی (ماده دیو تباهاکار و آفرینش آشوب - دختر اهریمن) آمده است. (ص ۹۶۹)

اما این جهی کیست؟

مهرداد بهار در همان منبع پیشین چنین آورده:

او نه تنها انگیزاننده‌ی اهریمن به تازش بر جهان مادی است، بلکه فریبنده و اغواگر مردان نیز هست و بنا به اساطیر زردشتی زنان از او پدید آمده‌اند.

در متن اصلی بندهش هم که ترجمه‌ی خود اوست (از صفحه‌ی ۳۹ تا، ۴۷ و نیز در کتاب پژوهشی در اساطیر ص ۸۶ و ۸۷ بخش تازش اهریمن بر آفرینش) چنین آمده:

در دین گوید که اهریمن هنگامی که از کارافتادگی خویش و همه‌ی دیوان را از مرد پرهیزگار دید، سست شد و سه هزار سال به سستی فروافتاد. در آن سستی، دیوان کماله جدا جدا گفتند که برخیز پدر ما! زیرا ما در گیتی آن گونه کارزار کنیم که هرمزد و امشاسپندان را از آن تنگی و بدی رسد. ایشان جدا جدا بدکرداری خویش را به تفصیل برشمردند. آن اهریمن تبهکار آرام نیافت و به سبب بیم از مرد پرهیزگار از آن سستی بر نخاست تا آن که جهی تبهکار، در پایان سه هزار سال آمد و گفت که برخیز پدر ما! زیرا من در آن کارزار چندان درد بر مرد پرهیزگار و گاو و ورزا هلم که به سبب کردار من زندگی نباید. فزه‌ی ایشان را بدزدم. آب را بیازارم. زمین را بیازارم. آتش را بیازارم. گیاه را بیازارم. همه‌ی آفریده‌ی هرمزد آفریده را بیازارم. او آن بدکرداری را چنان به تفصیل برشمرد که اهریمن آرامش یافت. از آن سستی فراز جست. سر جهی را بوسید. این پلیدی که دشتانش (حیض) خوانند، بر جهی آشکار شد. اهریمن به جهی گفت که تو را چه آرزو باشد؟ بخواب تا تو را دهم. آن گاه هرمزد به خرد همه آگاه دانست که بدان زمان آنچه را جهی خواهد، اهریمن تواند داد. هرمزد برای صلاح آن تن زشت شبیه به وزغ اهریمن را چون مرد جوان پانزده ساله‌ای به جهی نشان داد.

جهی بدو دل بست. جهی به اهریمن گفت: مردکامگی را به من ده تا به سالاری او در خانه بنشینم. اهریمن گفت که از این پس به تو نگویم چیزی بخواه. زیرا تنها بی سود و بد را می‌توانی خواستن...

علاوه بر این در بخش «درباره‌ی دشمنی دو مینو» از همان کتاب (بندهش) در بخش ششم از جهی به عنوان «ضد زنان» یاد شده است. (۵۶)

چنان گوید که اهریمن بر هرمزد، اکومن به بهمن... جهی بر زنان، زیناوندی بد بر زیناوندی خوب، دروج نابودی بر بقای نسل و دیگر دروج‌های مادی بر ایزدان جهان مادی آمدند.

در ادامه در روایت هزاره‌ی اوشیدر و اوشیدرماه و سوشیانس آمده:

[...] نوع گرگ همه به یک جای شوند و اندر یک جای به هم آمیزند و گرگی... پدیدار شود. به دستوری اوشیدر مردم سپاه آرایند و به کارزار آن گرگ شوند. نخست یزش کنند و ایشان به یزش بازداشتن آن گرگ نتوانند. پس اوشیدر گوید که بدان تیزترین و پهن‌ترین تیغ آن دروج بس نیرومند را چاره‌سازید. پس مردمان آن دروج را به اشتر و کارد و گرز و شمشیر و دیگر ابزارها بکشند و یک فرسنگ پیرامون زمین و گیاه از زهری که از آن دروج آید بسوزد و... جهی از آن دروج فراز دود، به تن مگس سیاه و به دروج مار شود و او را مسکن اندر او بود و بدان روی ستمگر نشود.

و باز در همان متن، اندکی پایین‌تر نوشته شده:

[...] نوع مار همه فراز به یک جای شوند و اندر یک جای به هم آمیزند و ماری که هشتصد و سی و سه گام پهن و هزار و ششصد و پنجاه و شش گام درازا دارد، پدید آید. مزدیسنان، بدان دستوری اوشیدرماه سپاه آرایند، به کارزار آن مار شوند. چون رسند اوشیدرماه گوید که یزش کنید و یزش کنند. آن دروج بگدازد و یک فرسنگ پیرامون زمین و گیاه از زهری که از آن دروج بیاید، بسوزد. جهی از آن دود فراز دود. به تن مگس سیاه و به دروج دوپای-تخمه (انسان) ساکن شود. از آن روی که ستمگر نشود. اندر آن هزاره ضحاک از بند برهد و شاهی بر دیوان و مردمان را فراز گیرد.

با اینهمه رد این شخصیت را در دیگر متون نیز می‌توان جست. به گونه‌ای که در جای‌جای متون اوستا، به این شخصیت اشارات بسیاری شده که برخی را بر برشماریم. مثلاً:

- ای هومِ زرین!
به ستیزه‌بان زن روسپی جادوی هوس‌انگیز (جهی) که [گناهان را] پناه دهد، که منش وی همچون ابری در برابر باد جنبان است، که پیکر اشون را نابود کند، زیناوند شو! (یسنه، هات ۹، بند ۳۲، ص ۱۴۳)
- کاستی زن نابه‌کار کم خرد [جنی*] را که به فریفتن آثربان و هوم می‌اندیشد، ناچیز می‌انگارم؛ [چرا که او] خود فریفته است و یکسره نابود می‌شود. (یسنه، هات ۱۰، بند ۱۵، ص ۱۴۷)
- همه هوم‌ها را می‌ستایم چه آنها را که بر فراز کوه‌ها می‌رویند، چه آنها را که در [ژرفای] دره‌ها و کرانه رودها. همچنین آن هوم‌ها را که در تنگنا و در بند زنانند. (بند ۱۷)
- زرتشت از اهوره مزدا پرسید: کیست که تو را به تلخ‌ترین اندوه دچار می‌کند؟ کیست که تو را با تلخ‌ترین درد، دردمند می‌کند؟ چنین کسی جهی* است که بر روسپیگری در پی اشون و نااشون، مزدپرست و دیوپرست و نیکوکار می‌رود. (وندیداد، فرگرد ۱۸، بند ۶۱ و ۶۲، ص ۸۵۷) چه او تن خود را به اشون بسپارد، چه نااشون یکسان است. هرگاه با سه مرد هم‌خواه شود، "مرگ ارزان" باشد. (گزارش پهلوی، وندیداد) (پاورقی ص ۸۵۷)
- من همه گونه‌های بیماری‌ها و مرگ‌ها را دور می‌رانم.
- من همه جادوان و پریان و همه "جینی"های تبهکار را دور می‌رانم. (وندیداد، فرگرد ۲۰، بند ۱۰، ص ۸۷۸)
گند بیمارها... از دخمه‌ها برآید... جینی آن بیماری‌ها را در پاها و دست‌ها و گیسوان آنان به اندازه یک سوم نیرومندتر می‌کند. (وندیداد، فرگرد ۷، بند ۵۹، ص ۷۴۱)

- درود بر گاو پاک... درود بر تو که افزون می‌بخشی. درود بر تو که می‌رویانی. درود بر تو که جهی* و اشموغ* یا اشون و فرمانروای ستمگر را نابود می‌کنی. (وندیداد، فرگرد ۲۱، بند ۱، ص ۸۷۹)

- ای خورشید، ای ماه، ای ستارگان! برآید با خروش... دور راندن "جهی" به جادویی خوگرفته را. (وندیداد، فرگرد ۲۱، بند ۱۷، ص ۸۸۳)

با اینهمه نباید از ذکر این نکته غافل بود که جهی نیز چون دیگر شخصیت‌های منفی اوستا و متون زرتشتی، همچون اژدهاک و افراسیاب و... بسیار دراماتیک و جذاب پرداخت شده و می‌تواند راهی برای خود در متون داستانی و به‌خصوص نمایشی باز کند. شخصیتی چندوجهی، منشورین و با پرسپکتیو تند، پویا و کنشمند که مجال پژوهشی گسترده‌تر و فراخ‌تر از این را می‌طلبد.

منابع:

پژوهشی در اساطیر ایران. مهرداد بهار. نشر آگه

گاتها و یادداشت‌های گاتها؛ ابراهیم پورداوود.



مهر ۱۴۰۴

• •



fold-era.com